

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذى سمى فى السماء باحمد و فى الارضين بابى القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

«يَا ابا ذر! هَلْ يَنْتَظِرُ أَحَدٌ إِلَّا غَنَى مُطْعِيًا، أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًّا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُفْنِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهَزًا، أَوْ الدَّجَالَ فَإِنَّهُ شَرُّ غَائِبٍ يُنْتَظَرُ، أَوْ السَّاعَةَ فَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمْرٌ»

ای ابا ذر! هر يك از شما منتظر چیست؟ ثروتی که طغیان آور است؟ فقری که نسیان آور است؟ مرضی که به فساد می کشد؟ پیری و كهولتی که زمین گیر می کند؟ یا مرگی که شتابان به سراغ می آید؟ یا دجالی که بدترین غایب مورد انتظار است؟ یا فرا رسیدن قیامت را؟ و ساعت قیامت، وحشت بارتر و تلخ تر است.

پیامبر اسلام (ص) در این فقره از نصیحت خویش آنچه ممکن است در انتظار انسان باشد و انسان با آن مواجه شود بیان می کند. انسان از نظر مالی یا گرفتار فقر خواهد بود یا صاحب سرمایه. از نظر جسم یا به بیماری مبتلا خواهد شد و یا جسم سالم خواهد داشت و به پیری گرفتار خواهد شد. و در عاقبت یا گرفتار فتنه دجال خواهد بود یا با مرگ مواجه خواهد و نهایت نیز قیامت است.

اما اگر ثروت داشته باشد در معرض طغیان خواهد بود. چرا که خدای متعال می فرماید «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ»^۱ این ویژگی انسان است که اگر احساس بی نیازی کند طغیان می کند. شما ملاحظه کنید اگر افراد متدین و غیر متدین را در نظر بگیرد معمولاً خانواده های مرفه کمتر مطیع دین و شرع مقدس هستند و بر عکس بیشتر خانواده های مذهبی از طبقه ضعیف است. البته گاهی در میان ثروتمندان افرادی خیری و متدینی نیز پیدا می شود که خیلی ارزش هم دارد. کما این که در میان طبقات ضعیف نیز افراد فاسدی وجود دارد.

طغیان کنندگان غالباً از میان قشر مرفه است و همین ثروت آنها را طاغی کرده است. نه تنها خدا را بندگی نمی کند بلکه بندگان خدا را یا تحقیر می کند یا به خود مقام الوهیت قائل است و انسانها را برده خود می داند. خطر ثروت برای یاغی و طاغی کردن انسان آنقدر جدی است که از امام صادق ع روایت شده است که در انجیل آمده است که حضرت عیسی (ع) به خدای متعال عرض کرد: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي غُدُوَّةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيْرٍ وَ عَشِيَّةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيْرٍ وَ لَا تَرْزُقْنِي فَوْقَ ذَلِكَ فَأَطْعَمِي!»^۲ خدایا صبح مرا یک قرص نان جو روزی فرما؛ و شام نیز یک قرص نان جو، و مرا بیش از آن روزی مده، مبادا که به طغیان کشیده شوم! آنجا که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد. جایی که پیامبر اولوالعزمی ناله کند حال امثال بنده روشن است که چقدر باید مراقب باشد.

پیامبر اسلام می فرماید اباذر یا به ثروتی می رسی که طغیانگر است و یا به فقری می رسی که نسیان آور است. فقر مالی، فقر فرهنگی، فقر اخلاقی انسان را به جایی می رساند که خود را فراموش می کند کیست و چه تکالیفی دارد. چون خود را فراموش کرده است خود را به ثمن بخش می فروشد.

اگر پولدار باشی آن است و اگر فقیر باشی این.

اما جسم انسان نیز از دو حال خارج نیست یا بیماری است یا سلامتی. بیماری که لذت زندگی را از انسان می گیرد و صحت بدن نیز عاقبتش به پیری و یا مرگ منتهی می شود. اگر این صحت بدن به پیری نمی رسید خوب بود ولی افسوس که اگر

۱. علق (۹۶): ۷-۶

۲. عدة الداعی (ابن فهد حلی)، ص ۱۱۵

زودتر نمی رد با تلخ تر از مرگ یعنی پیری که که قرآن از آن به ارزل عمر تعبیر آورده است ، گرفتار خواهد شد. فرار از پیری و مرگ ممکن نیست. پس سه چیز در کمین انسان است. بیماری ، پیری و مرگ.

از نظر اعتقاد هم گرفتار دجال است در حالی که قیامت نیز پیش رویش است که از همین اعتقاد سوال خواهد شد. بنابراین آینده طبیعی انسان روشن است. این که خدای متعال می فرماید « لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ^۳ انسان را در سختی آفریده ایم همین است. راه نجات از این مصیبات فقط یک چیز است اتکا به خدای متعال و پناه بردن به آن و کسب آرامش با یاد آن. باید دینا را با این ویژگی قبول کرد. دنیا مرگ ، فقر ، بیماری و جدایی دوستان و دهها مصیبت دیگر است. چه بخواهیم و چه نخواهیم اینها بر ما اتفاق خواهد افتاد و ما توان مبارزه و تغییر آن را نداریم. این که ما در سختی ها بی تابی می کنیم و تحمل نداریم و خودمان را به در و دیوار می زنیم علتش این است که دنیا را با این ویژگیها قبول نکرده ایم و با آن مبارزه می کنیم. از پیری می ترسیم در حالی که حتما خواهد آمد ، از بیماری فرار می کنیم در حالی که گریزی از آن نیست. از فقر می گریزم در حالی که گریز از آن ممکن نیست. نه مبارزه با دنیا ممکن است و نه تغییر این ویژگیهای دنیا. چاره فقط تسلیم است. آنها تسلیم نیستند بی جا خودشان را عذاب می دهند شب و روز با چیزی مبارزه می کنند که شکستشان قطعی است. انسانها در مقابل این قانون الهی و سرنوشت حتمی انسان به چند دسته تقسیم می شوند.

بعضی تسلیم نمی شوند و مبارزه می کنند. عاقبت حتمی اینها شکست و نابودی است. نقل می کنند وقتی حضرت هود شداد را به خدا پرستی دعوت کرد به وی فرمود اگر خدا را بپذیری ، خدای متعال بهشت را ارزانی تو خواهد کرد. شداد پرسید بهشت چگونه است ؟ حضرت هود وصف بهشت را به وی فرمود. شداد گفت اینکه چیزی نیست من خودم این گونه بهشت را خواهم ساخت. او اقدام به ساختن شهر ارم نمود و صد نفر از قهرمانان لشکرش را مأمور نظارت ساختن بهشت در آن شهر نمود، هر یک از آن قهرمانان هزار نفر کارگر را سرپرستی می کردند و آنها را به کار مجبور می ساختند. وقتی بهشت شداد تمام شد با خدم و حشم به سمت بهشت خود ساخته حرکت نمود. ولی قبل از این که به بهشت برسد صاعقه ای همه را نابود کرد.^۴ روزی رسول خدا - علیه السلام - نشسته بود، عزرائیل به زیارت آن حضرت آمد پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - از او پرسید: «ای برادر! چندین هزار سال است که تو مأمور قبض روح انسانها هستی، آیا در هنگام جان کندن آنها دلت برای کسی رحم آمد؟»

عزرائیل گفت: در این مدت دلم برای دو نفر سوخت :

یکی این که روزی دریا طوفانی شد و امواج سهمگین دریا یک کشتی را در هم شکست، همه سرنشینان کشتی غرق شدند، تنها یک زن حامله نجات یافت، او سوار بر پاره تخته کشتی شد و امواج ملایم دریا او را به ساحل آورد و در جزیره ای افکند، در این میان فرزند پسری از او متولد شد، من مأمور شدم جان آن زن را قبض کنم، دلم به حال آن پسر سوخت . دوم این که هنگامی که شداد بن عاد سالها به ساختن باغ بزرگ و بهشت بی نظیر خود پرداخت، و همه توان و امکانات ثروت خود را در ساختن آن صرف کرد، و خروارها طلا و گوهرهای دیگر برای ستونها و سایر زرق و برق آن خرج نمود تا تکمیل شد^۵ وقتی که خواست از آن دیدار کند، همین که خواست از اسب پیاده شود و پای راست از رکاب بر زمین نهاد، هنوز پای چپش بر رکاب بود که فرمان از سوی خدا آمد که جان او را قبض کنم، آن تیره بخت از پشت اسب بین زمین و رکاب اسب گیر کرد و مرد، دلم به حال او سوخت از این رو که او عمری را به امید دیدار بهشتی که ساخته بود به سر برد، سرانجام هنوز چشمش بر آن نیفتاده بود، اسیر مرگ شد .

^۳ . بلد (۹۰): ۴

^۴ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۶ و ۴۸۷

^۵ . اوصاف این بهشت بسیار بر زرق و برق در شهر ارم، در کتاب مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۶ و ۴۸۷ آمده است.

در این هنگام جبرئیل به محضر پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - رسید و گفت: «ای محمد! خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: به عظمت و جلال سوگند که آن کودک همان شَدَّاد بن عاد بود، او را از دریای بیکران به لطف خود گرفتیم، بی‌مادر تربیت کردیم و به پادشاهی رساندیم، در عین حال کفران نعمت کرد، و خودبینی و تکبر نمود، و پرچم مخالفت با ما برافراشت، سرانجام عذاب سخت ما او را فرا گرفت، تا جهانیان بدانند که ما به کافران مهلت می‌دهیم ولی آنها را رها نمی‌کنیم، چنان که در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» ما به آنها مهلت می‌دهیم تنها برای این که بر گناهان خود بیفزایند، و برای آنها عذاب خوار کننده‌ای آماده شده است.

و بعضی هم از ناچاری تسلیمند چون راه گریزی نمی‌بینند تسلیم مرگ و پیری می‌شوند. و برخی به این معرفت رسیده‌اند که می‌گویند هرچه از دوست رسد نیکوست. مثل حضرت ابراهیم اگر دستور بریدن سر فرزند هم صادر شود بدون چون و چرا فرزند را به منا می‌برد و اگر به آتش اندازند از هیچ کس یاری نمی‌خواهد. و تسلیمش از راه ناچاری نیست بلکه از راه عشق عبودیت و بندگی است.

به همین دلیل کسانی که تسلیم نمی‌شوند و گرفتار عذاب طبیعت می‌شوند، آخرتشان به مراتب سخت‌تر از پیری و مرگ است که پیامبر اسلام به ابودر می‌فرماید: «فَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ» سختیهای عالم آخرت سخت‌تر و تلخ‌تر است. کسی که بداند آتش آخرت از آتش دنیا سوزناک‌تر است، آتش فقر را تحمل می‌کند. کسی که می‌داند رسوائی آخرت سخت‌تر است، شهرت دنیا را به آسانی ترک می‌کند. کسی که می‌داند سوال قیامت دقیق است نه تنها از حرام بلکه از حلال نیز به مقدار ضرورت اکتفاء می‌کند.

خوردن مال یتیم، مال مردم، در حقیقت خوردن آتش است. کسی که این حقیقت را می‌داند متوجه است که لذت خوردن مال مردم در قبال عذاب خوردن آتش ناچیز است. شخص مؤمن متوجه است که غیبت کردن خوردن گوشت برادری است که مرده است و می‌داند خوردن گوشت مرده بسیار بدتر از لذت غیبت است. اینها را همه می‌دانند ولی بسیاری از مردم اینگونه‌اند که علمشان به ایمان تبدیل نشده است. هنر مردان خدا این است که علم را به ایمان تبدیل کرده‌اند.

خلاصه مطلب این است که آینده ما یا بیماری است یا پیری و در نهایت مرگ. و نه فرار از آنها ممکن است و تغییر آنها بلکه فقط باید تسلیم شده. در مقابل این حوادث ناگوار، انسانها سه دسته‌اند.

دسته این اتفاقات قطعی و حتمی را نمی‌پذیرند و به مبارزه با آن می‌خیزند. با آنها بابیماری می‌جنگد ولی باز بیماری خود و خانواده‌شان را مشاهده می‌کنند. با پیری و مرگ می‌جنگند ولی در خاتمه آنکه شکست می‌خورد همین انسان است. گاهی چون چاره‌ای نمی‌بینند از سر ناچاری تسلیم می‌شوند و بر این روال زندگی راضی نیستند. ولی گروه سوم هستند که آنها تسلیم محضند و زبان حالشان این است که هرچه از دوست رسد نیکوست.

برای رسیدن به مقام سوم معرفت لازم و باید انسان آن معرفت لازم را کسب کند و برای کسب این معرفت باید در محضر صاحبان علم زانوی ادب زند و علماء نیز او را تعلیم دهد.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی لا یبلغ مدحته القائلون و لا یحصی نعمائه العادون و لا یؤدی حقه المجتهدون الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن ثم الصلاه و السلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین الذی سمی فی السماء باحمد و فی الارضین بابی القاسم محمد

اللهم صل علی علی امیرالمومنین وعلی فاطمه سیده النساء العالمین وعلی الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنه وعلی بن الحسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر وعلی بن موسی و محمد بن علی وعلی بن محمد و الحسن بن علی و الحجه القایم المنتظر عجل الله تعالی فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه

اسغفرالله لی و لکم من جمیع الذنوب و الآثام و اتوب الیه

ظاهرا قرار است امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه در آینده‌ای نزدیک به ایران سفر کند. اگر این سفر صورت گیرد از سال 1350 این نخستین سفر رئیس جمهور فرانسه خواهد بود. بسیاری از دشمنان در صدد بهره برداری از این سفر هستند. ظاهرا قرار است رئیس جمهور فرانسه سه درخواست از ایران داشته باشد. یکی دیدار با مقام معظم رهبری و دیگری این است که در رئیس جمهور فرانسه با رئیس جمهور ایران نشست مشترک مطبوعاتی داشته باشند و رئیس جمهور فرانسه اعلام کند که ایران در موضوع برنامه موشکی حاضر است پشت میز مذاکره بنشیند و درخواست سوم این است که یک میز مذاکره سه‌جانبه ایران، آمریکا و عربستان پیرامون مسائل منطقه، جریان مقاومت و یمن تشکیل شود و این مسائل مورد بررسی و تبادل نظر قرار گیرند.

حالا با توجه به این سفر و انتظاراتی که در آن مد نظر است در روزهای گذشته وزیر خارجه فرانسه در دیدار با وزیر خارجه آلمان گفته بود که فرانسه و آلمان در این مورد هم‌عقیده‌اند که ایران باید در برنامه موشکی خود تجدید نظر کند. هم‌چنین رئیس جمهوری فرانسه در 26 آبان در حاشیه نشست سران اتحادیه اروپا در سوئد ابراز امیدواری کرده بود که ایران درباره برنامه موشکی خود شفاف‌سازی کند و از سیاست‌های تهاجمی‌اش در منطقه بکاهد.

سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه اخیرا اعلام نمود که امروز ما موشکی را می‌توانیم پرتاب کنیم که شناورهای متحرک را با دقت 100 مورد اصابت قرار دهد آنهم نه موشک کروز، بلکه بالستیک که با قدرت 8 برابر سرعت صوت وارد زمین می‌شود. و در ادامه افزود که: من به جرات می‌گویم که این فناوری نه در آمریکا وجود دارد نه در روسیه و فقط متعلق به ایران است.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به اظهارات وزیر امور خارجه اعلان نمود که فرانسه باید بداند که جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست درباره برنامه‌های دفاعی و موشکی خود مذاکره کند.

آنچه جای خوشحالی است و باید از آن تشکر کرد موضع گیری به حق و شجاعانه رئیس جمهور محترم بود. جناب آقای روحانی که در حضور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، جمعی از فرماندهان ارشد ارتش و سپاه و شماری از خانواده‌های معظم شهدا سخن می‌گفت بیان نمود: در دنیای امروز که همه همدیگر را تهدید می‌کنند بعید به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به نقطه‌ای برسیم که تمام دنیا گل و بلبل شود و کسی به کسی حمله نکند، آیا در این شرایط می‌شود یک ملتی بگوید حالا زمان صلح، برادری و همزیستی است و قدرت دفاعی نمی‌خواهیم؟ و افزود: قدرت دفاعی هم جزو قدرت ملی است و تا روزی که تهدید علیه ما وجود دارد، باید قدرت دفاعی‌مان را تقویت کنیم.

ایشان با صراحت تمام گفتند: مسؤولین ما برای توانمندی دفاعی‌شان نیاز به مذاکره با هیچ کسی و توافق با هیچ قدرتی ندارند و نخواهند داشت. جواب ما هم بسیار روشن است، آنچه برای دفاع از این کشور، هر نوع سلاحی با هر نوع قدرتی اگر نیاز داشته باشیم در چارچوب مقررات و قوانین و فتاوای رهبری‌مان تهیه خواهیم کرد.

این بسیار عجیب است آنهایی که محمد رضای پهلوی را بر ملت ایران مسلط کردند و پس از انقلاب، دموکراسی مردم ما را قبول نمودند و هشت سال جنگ را بر ما تحمیل کردند و پیشرفت علمی در عرصه انرژی هسته‌ای را تحمل نکردند و دانشمندان هسته‌ای ما را ترور نمودند، امروز برای تضعیف قدرت دفاعی ما خواب آشفته دیده‌اند. اینها باید بدانند آنها دیگر تسلط بر ملت ایران را هیچ وقت حتی در خواب نخواهند دید.

22 بهمن و دست آوردها و آسیبها

خدا را شاکریم که علی‌رغم توطئه‌های سنگین ابرقدرتهای شیطان‌ی حکومت اسلامی به برکت خون شهداء و بیداری ملت و رهبری عزتمندانه مقام معظم رهبری چهل ساله شد.

راه دشوار و پر خطری سپری کردیم و گرچه به آنچه باید برسیم هنوز نرسیده ایم ولی دست آوردهای بزرگی در بین این همه طوفانهای توطئه دشمن بدست آورده ایم.

بدون شک اگر سنگ اندازی های دشمنان نبود ، اگر تحمیل هزینه که دشمنان بر ما وارد کردند نبود ، اگر کم کاریها و گاهی خیانت برخی از مسئولین نبود ، ملت ، دولت و حکومت اسلامی به مراتب بهتر از این بود که هست. ولی چاره چیست . عده ای در داخل فریب نفس و وسوسه نفس و حتی فریب دشمن را می خورند و دشمن خارجی هم نه تنها دست بردار نیست بلکه هر روز که پیشرفتهای ما را می بیند و برای مقابله به عرصه های مختلف وارد می شود ولی شکست می خورد ، کینه توز تر و مکار تر عمل می کند.

ولی بحمد الله ملت ایران تا کنون پیروز است. چند نکته خدمتتان عرض می کنم:

نکته اول این که با دقت در دست آوردها و پیروزیها و تحمیل شکستها به دشمنان امروز اعتماد ملت ایران به نظام بیشتر از پیش است. گرچه ممکن است مردم از عملکرد دولتها یا مسئولین یا وضعیت اقتصادی و مانند آن انتقاد و گلایه داشته باشند ولی اصل نظام را همه قبول دارند و این یک سرمایه گرانبهای ملی برای کشور است. برای حفظ این سرمایه لازم است توجه شود که :

1. دمیدن بر اختلافات درونی برای کشور چالشهای مضاعفی به وجود می آورد و امکانات و فرصت های کشور را هدر می دهد. این موضوع باید کنترل شود و تنها در جلسات کارشناسی برای رسیدن به بهترین راه حل انجام شود و به عرصه عمومی جامعه کشیده نشود. اساساً کارکرد احزاب و گروه های سیاسی در جهان سیاست، مدیریت حل و فصل اختلافات و کاستن از سطوح منازعه است و نه دامن زدن به آنها. مردم باید حاکمیت را گوش شنوای خود و احزاب را مدافعان راستین حقوق خود بیندارند.

2. از دیگر چالش های انقلاب در اوضاع فعلی، ایجاد خوش بینی افراطی نسبت به دشمنان درجه یک انقلاب با زدن اتهاماتی مانند توهم توطئه به نیروهای ارزشی است؛ خسارت های نظام اسلامی از چنین خوش بینی ها و اعتماد کردن ها به دشمن، بسیار خسارت آمیز بوده است. در موضوع برجام اگر طرف مقابل به تعهدات خود پایبند نیست و مدام نقض پیمان می کند، بخشی از علل ماجرا به ایجاد روحیه خوش بینی و اعتماد به دشمن متخاصم برمی گردد.

3. از دیگر آفاتی که انقلاب را تهدید می کند، نفی کامل دستاوردهایی است که تاکنون داشته ایم و در عین حال سیاه جلوه دادن وضعیت موجود و آینده و بزرگنمایی مشکلات جامعه بوده است. امروز متأسفانه ایجاد روحیه سیاه نمایی و القای روحیه ناامیدی به یکی از مشکلات کنونی کشور تبدیل شده است. دهه فجر انقلاب فرصت مغتنمی است تا مصادیق امیدواری که به فرموده رهبر معظم انقلاب کم هم نیستند، یادآوری شوند.

روز 22 بهمن و راهپیمائی باشکوه مردم در این روز نماد و مظهر دو چیز است یکی این که مردم همچنان پشتیبان این نظام هستند و دیگر این که مردم برای مقابله با دشمنان خبیث این نظام همچنان در آماده باش کاملند.

در شهر خودمان هم بیایید مثل یک خانواده در کنار هم و خیرخواهانه مردم و مسئولین مشکلات فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی خودمان را با فرمان و با اتحادمان حل کنیم.

در مسائل فرهنگی مشکلاتی داریم که باید خودمان حل کنیم از جمله آنها هزینه های سنگین و اما غیر مفید مجالس ترحیم و مجالس عروسیه است. که کمر خانواده ها را می شکند و قشر نیازمند را فقیر تر و قشر متوسط را نیازمند تر می کند. اگر این هزینه را کاهش دهیم و مدیریت کنیم بسیاری از مشکلات نیازمندان شهرمان حل می شود.

نظافت شهر و مبلمان شهر و زیباسازی شهر یک بخشش شهردار است ولی بخش عمده اش مردم است. همه ما شهردار شهرمان باشیم. در کوچه های خود در خیابان در هر جا هستیم اینگونه تصور کنیم که در خانه خودمان زندگی می کنیم هم ریخت و پاش نداشته باشیم و هم اگر دیدیم جای نیاز به نظافت و بازسازی دارد اگر خودمان می توانیم خودمان و اگر نمی توانیم به مسئولین اطلاع دهیم.

اهالی روستاهای ما به تولیدات روستائی و به صنایع دستی و هرچه می توانند در روستا انجام دهند کوتاهی نکنند قبلاً اهالی شهر به روستائیان و تولیدات آنها محتاج بودند ولی امروز روستائیان حتی پنیر و گاهی شیر پاستوریزه را از شهر می خردند .

ان شاء الله با احداث برخی از مراکز تولیدی که از جمله فردا احداث یکی از مراکز تولید شیرآلات دیگر غیر از شیرآلات قهرمان و همچنین آبیاری 400 هکتار زمین کشاورزی در پایاب سد گیلارلو شروع می شود که برای ایجاد اشتغال بسیار مفید است. در هر حال باید بدانیم که فقط انتقاد کردن و گلایه کردن کاری پیش نمی برد بلکه باید هم انتقاد کرد و هم راه را نشان داد و هم باید کمک کرد.